

سنجه کتاب* (بخش هفتم)

علی اکبر صفری**

چکیده

نگارنده چند زندگی نامه خودنوشت از دانشوران شیعی سده دوازدهم تا چهاردهم است: شمس الدین متاجی کجوری (۱۳۲۷ق. - ۱۳۷۰ ش.)، سید محمد کاظم جزایری شوشتری (۱۳۳۹ق. - ۱۳۶۱ ش.)، محمد علی فشندی (۱۲۷۱ق. - بعد از ۱۳۲۳ق.)، میرزا ابوطالب اصفهانی (۱۱۶۶ - ۱۲۲۰ق.)، در باره هر کدام، افزون بر زندگی نامه خودنوشت، نویافته هایی در باره زندگی و آثارشان بیان می کند. همچنین چند کتاب را به تفصیل شناسانده است: مصباح المتهدّجین نوشته ابن راشد حلّی (قرن نهم)، دیوان اشعار مدّاح خرقانی (متوفی ۱۳۹۳ق.)، آثاری از سید یعقوب لاسمی لاریجانی (متوفی ۱۳۱۰ق) درباره بیشتر این دانشوران و کتابها در کمتر جایی می توان این همه اطلاعات یافت.

کلیدواژه ها

زندگی نامه های خودنوشت؛ عالمان شیعی - قرن دوازدهم؛ عالمان شیعی - قرن سیزدهم؛ عالمان شیعی - قرن چهاردهم؛ مصباح المتهدّجین (کتاب)؛ دیوان اشعار مدّاح خرقانی (کتاب)؛ متاجی کجوری، شمس الدین - شرح حال؛ جزایری شوشتری، سید محمد کاظم - شرح حال؛ فشندی، محمد علی - شرح حال و آثار؛ لاسمی لاریجانی، سید یعقوب - شرح حال؛ اصفهانی، میرزا ابوطالب - شرح حال.

* «سنجه کتاب» عنوان سلسله مقالاتی است که مشتمل بر نویافته های پراکنده ای در شناخت آثار مکتوب، نسخه های خطی و آگاهی از زندگی نامه نویسندگان است.

** پژوهشگر حوزوی در زمینه کتابشناسی و تراجم نگاری

سنجه ۷۹) زندگینامه خودنوشت شیخ شمس الدین متاجی کجوری

عالم فقیه شمس الدین متاجی کجوری از علمای نامدار غرب مازندران است. این عالم بزرگوار در ۱۳۲۷ ق در روستای نیمور کجور زاده شد و در سال ۱۳۷۰ ش در زادگاهش درگذشت و در همان روستا نیز به خاک سپرده شد.

در زندگی نامه علمی او نام اساتید و بزرگانی چون سید ابوالقاسم کاشانی، میرزا طاهر تنکابنی، شیخ بهاءالدین نوری و شیخ عبدالکریم حائری می درخشد. در سال ۱۳۱۱ به دانشگاه تهران راه یافت و موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در فلسفه گردید. وی در سال ۱۳۷۰ درگذشت. آرامگاه او در روستای متاجی کجور قرار دارد.

نسخه خطی کتاب او به عنوان تراجم علمای کجور و کلارستاق در کتابخانه حجت الاسلام سید جمال موسوی - امام جماعت مسجد جامع چالوس - نگهداری می شود و تصویری از آن در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۲۹۶۵^۱ ثبت شده است.

وی این اثر را در پایان اسفند ۱۳۶۸ به خواستاری حجت الاسلام شیخ فضل الله مشایخی - امام جمعه شهر چالوس - برای حجت الاسلام سید حجت موسوی نوشته است. در این اثر زندگی نامه خود و پدر بزرگوارش شیخ مهدی خود را چنین نگاشته است:

«مرحوم والد، شیخ فقیه زمان خود، آقا شیخ مهدی متاجی نیموری؛ تواد جنابش برای حقیر معلوم نیست و رحلت ایشان شب اول ماه مبارک رمضان سنه ۱۳۵۰ هجری قمری در قریه امیررود اتفاق افتاد و در مزار سید علی کیا به خاک سپرده شده است، در طفولیت پدر خود را از داده است و با سرپرستی مادر مشغول به تحصیل شد اوائل تحصیل در قریه سنگ تجن، خدمت مرحوم شیخ علی بابا اشتغال داشت و بعد از آن خدمت مرحوم عالم متقی شیخ ولی الله ایرجی^۲ که دایی مادرش بود، مشغول بود و سپس مهاجرت به بابل [نمود] در مجلس درس مرحوم حاجی اشرفی (رحمة الله علیه) استفاده نمود، میفرمود مرحوم حاجی اشرفی در اواخر از چشم عاجز شده بود، طلبه ها متن شرایع را میخواندند و جناب ایشان

۱ فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۸، ص ۲۱۸.

۲ شیخ ولی الله جد آقای شیخ ولی الله ایرجی است که در حال حاضر از بزرگان نوشهر می باشند. [حواشی از مولف کتاب است]

نگارنده افضل المحصلين شمس الدين بن الفقيه محمدي بن محمد بن محمد بن محمد شمس
بن محمد بن محمد المصباحي الكجوري هه نظريه مرعوم والده مفتي عنه در شهر قران محمد بور
لقدس بود مرعوم فرمود قوله حق در تيله ۱۶ شهر ربيع الاول سنة ۱۰۳۵ هجری قمری
بود نيز از گذرانیدن ايام مکتب کمال منقذات را بفرمود والده مرعوم مشغول
بودم و تا اواسط سيوطي وحاشيه مدعيه الله و جابر و شرايع مرعوم حتم از اشراف
استفاده کرد و بقية سيوطي و جابر و بقية حاشيه مدعيه الله و معالم الاصول را نيز
استاد مرعوم شيخ فضل الله رحمة الله عليه استاده فرمود تا آنکه در سال ۱۰۴۵ هجری قمری
مبلمان مسرت در خدمت اساتيد بزرگ کتاب خواندن مرزا ابوالکاسم
و مطول را نيز در مرعوم جامع شيخ محمد علي لوربني بقده الله بقرانه مشغول اين استاد
در تدريس اين دو کتاب اگر ادعا کنم در تهران به نظر بود گراف شست و کتاب
بصائير النصيريه تالیف عمر بن السعد بن السادر در منطق و المعنى در این
باب که نظير است و شرح اشکات منطق و حکمت و کتاب شرايق صلاه
عنه المرزبان لاهتما را نيز استاد بزرگوار مرعوم ۵ ميرزا محمد طاهر شيخنا مین کله در شهر
رحمة الله تعالى و کتاب صفا به کتاب انصار در رساله را نيز ايت الله مرعوم
جامع الله ابوالکاسم گاش بن بقده الله بقرانه و مرعوم ايت الله جامع شيخ بها والدين
فوز قدس سره و ايت الله و در سال ۱۰۳۷ هجری قمری شرف شدم بشعر
مقدس قم در حدیثه فنصیه مشغول به اداء محضر و در حوزه ادبي خارج
مرعوم معنی و مرعوم در محدثان حوزة علمیه قم ايت الله العظمى الخميني

ميرزا شهاب
سنجه کتاب (N)

زندگینامه خودنوشت شيخ شمس الدين متاجي کجوري

شرح میدادند، به هر صورت پس از آن که به درجاتی رسیدند، به تهران مهاجرت کرده خدمت بزرگان فقهاء تهران استفاده مینمودند، مقداری از مرحوم آقای شیخ محمد آملی - والد مرحوم حاج شیخ محمد تقی آملی که امام جماعت مسجد مجید تهران بود - استفاده فرمودند و نیز در خدمت مرحوم شیخ شهید فضل الله نوری به تحصیل مشغول شد و از خدمت مرحوم شیخ بزرگوار فقیه شیخ مرتضی آشتیانی مشغول و به درجه عالی فقه فائز گردید.

آنچه حقیر از او اطلاع دارم، اگر اغراق نباشد شرائع مرحوم محقق در سینه او ضبط بود، در موقعی که علماء کجور در قریه پالو (کوهپایه سفلی) جلساتی داشتند یک مسئله بین آقایان مطرح شد، مرحوم والد با نظرات آقایان مخالفت کرد، برای قطع و فصل مسئله بنا گزاردند به کتاب مکاسب مرحوم شیخ المجهتدین شیخ مرتضی انصاری مراجعه کنند، یک نفر را فرستادند به قریه نیمور و کتاب را حاضر کردند، نظر والد همان بود که شیخ در مکاسب اظهار نظر کرده بود، علماء جلسه به اتفاق تصدیق بفقهِ و فقاہت ایشان کردند، مخصوصاً در مسئله ارث کمال مهارت داشتند، شخصی از ایشان استفتاء کرد مرحوم والد پاسخ منفی داد همان مسئله را از مرحوم شیخ فضل الله کجوری استفتاء کرد، جناب ایشان جواب مثبت دادند، شخص مستفتی برای رفع حیرت خود شدّ رحال کرده مشرف شد به قم، از علماء قم استفاده کردند، آن وقت معتقد شد که مرحوم والد هم طراز فقهاء قم است.

به هر صورت از حالات حسنه ایشان تهجّد بود، بسیار کم اتفاق میداد که این صفت نیک را ترک بکند، فقط در مواقع کسالت امکان داشت که از این فیض محروم شده باشند، از کرامات ایشان یک هفته به اول ماه رمضان ۱۳۵۰ باقیمانده، فرمود که من شب اول ماه مبارک بدرود حیات میکنم و در آن شب اول، نماز مغرب و عشاء را انجام داد و رو به قبله دراز کشید، و با ذکر «لا اله الا الله» زبانش را مرطوب و به حق تعالی واصل شد (تغمّده الله بغفرانه) حقیر بعد از فوت، شبی او را خواب دیدم دامنش را گرفتم، عرض کردم عالم برزخ چه جور است؟ و چه اطلاعی از آنجا دارید؟ با شدّت خواست دامنش را از دست من بگیرد، من هم با شدّت رها نکردم و در نتیجه نتوانست دامنش را از دست حقیر بگیرد، فرمود پسر جان! الحمدلله از برکت حضرت حسین صلوات الله علیه از من گذشتند، امید است که خداوند

از تقصیرات همه شیعیان مولی امیرالمومنین بگذرد و عفو فرماید و این حقیر را نیز مشمول کراماتش فرماید.

اما این که افرادی که در عالم برزخ می باشند، برای چه اوضاع آن عالم را برای افرادی که در این عالم می باشند و آنان را خواب می بینند، مطلع نمی کنند، معلوم نیست، لکن حقیر تصور می کند جهت آن که اطلاع نمی دهند شاید برای این باشد که خداوند متعال حتی الامکان قائل است که افراد بشر عقائدشان را از روی دلیل و برهان کسب کنند، نه از روی کشف و شهود^۱ و چون این قبیل خوابها، مانند کشف حقیقت است، برای کفار در عالم برزخ و قیامت و این طور کشف حقیقت دردی را دوا نمی کند و در غالب افرادی که اموات شان را خواب می بینند، متوجه نمی شوند که این خواب در عالم خواب است و آنان هم فوت کرده اند و این عدم توجه شاید همین باشد که عرض کردم و الله تعالی هو العالم.

نگارنده اقل المحصلین، شمس الدین بن الفقیه مهدی بن ملامحمد حسین بن ملا محمد شفیع بن محمد جعفر المتاجی الکجوری، همان طوری که مرحوم والد (عفی عنه) در ظهر قرآن مجید مورد تلاوتش، مرقوم فرموده بود، تولد حقیر در لیله ۱۶ شهر ۱۳۲۷ هجری قمری بود و بعد از گذراندن ایام مکتب تحصیل مقدمات را نزد والد مرحوم مشغول بودم و تا اواسط سیوطی و حاشیه ملاعبدالله و جامی و شرایع مرحوم محقق از ایشان استفاده کرد، و بقیه سیوطی و جامی و بقیه حاشیه ملاعبدالله و معالم الاصول را نزد استاد مرحوم شیخ فضل الله (رحمة الله علیه) استفاده نمود، تا اینکه در ۱۳۴۵ هجری قمری به طهران مسافرت و در خدمت اساتید بزرگ، کتاب قوانین میرزا ابوالقاسم و مطول را نزد مرحوم حاج شیخ محمد علی لوسانی (تغمّد الله بغفرانه) مشغول، [این استاد در تدریس این دو کتاب اگر ادعا کنم در تهران بی نظیر بود گزاف نیست] و کتاب بصائر النصیریّه تألیف عمر بن سهلان الساوی در منطق و الحق در این باره کم نظیر است و شرح اشارات منطق و حکمت و کتاب شوارق ملا عبدالرزاق لاهیجانی را نزد استاد بزرگوار مرحوم آقامیرزا محمدطاهر تنکابنی کلاردشتی

۱ منظور از کشف حقیقت در این مورد معرفت اضطراری است و معرفت اضطراری مفید نیست به اضافه آن که میانه عوالم سه گانه دنیا و برزخ و قیامت حاجت است، احوال هر یک از این عالم برای افراد عالم دیگر بواسطه حجاب مجهول است مانند حال جنین نسبت به حال افرادی که در دنیای خارج هستند [حواشی از مولف کتاب است]

(رحمه الله تعالی) و کتاب مستطاب مکاسب انصاری و رسائل را نزد آیت الله مرحوم حاج
 ید ابوالقاسم کاشانی (تعمد الله بغفرانه) و مرحوم آیت الله حاج شیخ بهاء الدین نوری (قدس
 سرّه) قرائت و در سال ۱۳۴۷ ق / ۱۳۰۷ ش مشرف شدم به شهر مقدس قم، در مدرسه فیضیه
 مشغول به ادامه تحصیل و در حوزه درس خارج مرحوم مفتی و مرجع مجدد اساس حوزه
 علمیه قم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (أنارالله برهانه) شرکت نموده و
 سپس در سال ۱۳۱۱ ش وارد دانشگاه، پس از تحصیل دانشگاهی و گواهی نامه لیسانس اعطا
 شد و پس از آن در جلسات درس خارج حضرت آیت الله حاج ابوالقاسم کاشانی (رضوان
 الله تعالی علیه) شرکت کرده و در خلال این مدت به غیر از رساله حکم تحصیل دانشگاه
 که در باب اجتهاد و تقلید تالیف کردم، چند رساله دیگر به نام «بیاد خدا» و به نام «نداء
 الحق» که بحث شاخص این کتاب، علت وجود و تسلط و امهال شیطان بر آدمیزاد و بحث
 معاد جسمانی و روحانی و ابطال مذهب ملا صدرای شیرازی که قائل است به معاد اجسام
 اختراعیه خداوند. همه علماء امامیه را به رحمت خود ایصال فرماید، الراجی شمس الدین
 المتاجی الکجوری ۱۳۶۸/۱۱/۳۰

سنجه ۸۰) نسخه با عنوان مصباح المهتدين في اصول الدين

شیخ حسن بن محمد بن راشد حلّی مشهور به ابن رشد حلّی (قرن ۹) کتابی دارد با نام
 مصباح المهتدين في اصول الدين. از این کتاب نسخه ای در مرکز احیاء میراث اسلامی^۱
 معرفی شده است. این استناد به منابع دیگری مانند فهرستگان فنخاج ۲۹ ص ۸۲۶، الثرات
 العربی المخطوط، ج ۱۰، ص ۴۵۰-۴۵۱، معجم تراث الکلامی، ج ۵، ص ۱۳۲، معجم
 المخطوطات الحلیة، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۳، موسوعة مؤلفی الامامیه، ج ۱۰، ص ۳۰۱ راه
 یافته است.

در نگاه اول به نظر می رسد این اثر همان اثر گمشده ای است که است که میرزا عبدالله
 افندی تبریزی در توصیف آن چنین نوشته است:

۱ فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱، ص ۳۲.

«المتكلم الفاضل الجليل الفقيه الشاعر المعروف بابن راشد الحلي، وكان من أكابر العلماء، وهو متأخر الطبقة عن الشهيد (قده) وقد رأيت في إستراباد من مؤلفاته: كتاب مصباح المهتدين في أصول الدين، جيد حسنة المطالب، وكان تاريخ كتابه النسخة: سنة ثلاث وثمانين وثمانمائة.^۱»

در مراجعه به نسخه روشن میشود، این اثر کتاب یاد شده نیست چه، این که مولف در برخی فرازهای کتاب به اثر دیگر أنوار الأبرار في معجزات النبي وآله الأخيار خود ارجاع داده است؛ برای نمونه: «... وقد صرح في أخبارنا المتواترة في ذلك بأساميهم لإدعائهم الإمامة وإظهارهم المعجزات الكثيرة وقد ألف في معجزاتهم كتاباً سمّيته أنوار الأبرار في معجزات النبي والأئمة الأخيار، فمن أراد الإطلاع عليها فراجع...» (نسخه ۱۵۲ر)

کتاب انوار الابرار في معجزات النبي والأئمة الأخيار اثر شيخ حسن بن محمد شريف (قرن ۱۳) از شاگردان وحید بهبهانی است و با تطبیق این اثر با آثار دیگر این نویسنده بدست می آید، نسخه ای از کتاب لبّ اللباب و فصل الخطاب است و از نسخه یاد شده فصل اول که در مبحث وجود است افتاده و کتاب از فصل دوم شامل بحث صفات آغاز شده است. بر پایه نوشته مولف در آغاز، کتاب لبّ اللباب و فصل الخطاب در مباحث توحید و نبوت و معاد است و در ادامه نبوت به امامت امیرالمومنین^x پرداخته شده است. این اثر جزء چهارم از مقدمه کتاب مفصل فلسفی و فقهی و اصولی و رجالی شیخ حسن بن محمد شریف به نام أنوار البصائر است.

سنجه (۸۱) زندگینامه خودنوشت سید محمد کاظم جزائری شوشتری (۱۳۳۹-۱۴۰۳ق)

نام دانشور گرامی و فاضل فرهیخته، سید محمد کاظم جزائری شوشتری در عرصه تراجم و رجال آشناست. وی از بزرگان خاندان بزرگ علم و فضیلت «جزائری» است و در سلسله روایت حدیث از عالمانی چون شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ عباس قمی، شیخ علی اکبر

۱ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۴۲



نهاوندی، شیخ محمد علی اردوبادی و دیگر بزرگان اجازه روایت داشت. متن این اجازات را در کتاب نزهة الأنظار في مشايخ الإجازة إلى أئمة الأطهار^۱ آورده است. وی همچنین زندگی نامه اساتید و علمای هم روزگار خویش را در دو کتاب مختصر خود نخبة البشر في احوال علماء القرن الرابع عشر و أنوار (هدية) الكلام في ما رأناه في هذا المقام^۲ قلم زده است.



سید محمد کاظم جزائری شوشتری

این زندگی نامه خودنوشت را در دو صفحه برای مرحوم حجت الاسلام سید محمد جزائری؛ مولف شجره مبارکه یا برگی از تاریخ خوزستان و نابغه فقه و حدیث نگاشته است. این فقید پس از تحصیلات حوزوی به کسوت معلمی درآمد و عمر خویش را در تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم صرف کرد. وی در نهم بهمن ۱۳۶۱ در تهران درگذشت، پیکر وی پس از انتقال به شهر قم، در سالن چهار آرامستان بهشت معصومه (ع) به خاک سپرده شد.

۱ نزهة الأنظار في مشايخ الإجازة إلى أئمة الأطهار، تصحيح سيد جعفر حسيني اشكوري، ميراث حديث شيعه، دفتر بيستم، صص ۴۸۱-۵۱۱
۲ نخبة البشر في احوال علماء القرن الرابع عشر، تصحيح حسين متقي، ميراث اسلامي ايران، دفتر نهم، صص ۲۷۵-۲۹۰
۳ أنوار (هدية) الكلام في ما رأناه في هذا المقام، ميراث حديث شيعه، ص ۵۱۳ - ۵۳۳.



چنان که دیده‌اند که کار و سیاه درگاه الهی در کلام بنام محمد بن جعفر موافقتی جز برای غیر او ندارد
 که در سال یکصد و بیست و نهم هجری قمری در ماه ذی‌حجه یا پیشتر در این دنیا دیده‌اند که در این سال
 زادگاه شهرستان سوتر از شهرستان خوزستان میباشد آنچه که بیاد دارم در سن هشت سالگی مشاهده
 با اتفاق پدر و مادرم بوقت بوقت در جزایر بزرگوار اقامت گزیده و تحولات خود را تا سال چهارم
 در استان دولتیه سیم سوتر و پس از هجرت بوقت سال اول در استان معلوی اربابان تحصیل نمودم
 سید ترک در استان گفته نزد شریف تمام مرحوم ادیب و شیخ عبدالمجید رزقی مقدمات فارسی را
 و در آن زمان نیز از آن بزرگان علم قدیمه استعمال و زنده جامع المقدمات و شرح نظام را
 نزد حضرت حجت الاسلام آقای شیخ علی‌کاف اللطاف و سید علی رزق مرحوم عموم شاد روان
 مرحوم آقا سید محمد باقر شرح این تعجیل را نزد حاج شیخ مرتضی طالقانی و صفی رزق حاج
 شیخ علی‌اکبر بزرگ و حاج شیخ مطلق رزق شیخ سید باقر برای تحصیل و اگر چه در آن زمان
 جوان بودم از دست دادن پدرم که فاصله چهار روز بوقایع ایدر بود که فراقم
 ترک تحصیل نمودم در زمان اقامت در عراق اهوازات روایت علم حدیث
 از علماء اعلام که سادت در آن محضر مبارک آن را از آن هم بدست آورده برای ما

میراث شریف

سنگه کتاب (۸)



زندگینامه خودنوشت سید محمد کاظم جزائری شوشتری

بر سنگ مزار وی چنین ثبت شده است: «آرامگاه شادروان مرحوم سید محمد کاظم جزایری شوشتری فرزند مرحوم سید احمد، تاریخ وفات ۱۳۶۱/۱۱/۹».

اصل این سند در مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می شود.

متن زندگینامه خودنوشت

سید محمد کاظم بن احمد بن محمد جعفر موسوی حسینی جزائری: چنین گوید بنده گنهکار روسیاه درگاه اله محمد کاظم بن احمد بن محمد جعفر موسوی حسینی جزائری غفر الله له و لوالدیه که در سال یک هزار و سیصد و سی و نه هجری قمری در ماه ذیحجه پا به هستی در این دنیا گزارده ام.

زادگاهم شهرستان شوشتر، از استان خوزستان می باشد. آنچه که به یاد دارم در سن شش هفت سالگی تا یازده سالگی با اتفاق پدر و مادر در نجف اشرف در جوار جدّ بزرگوار اقامت گزیده، تحصیلات خود را تا سال چهارم در دبستان دولتی سپه شوشتر و پس از مهاجرت به نجف، سال اول در دبستان علوی ایرانیان، تحصیل نمودم؛ سپس ترک دبستان گفته، نزد شخصی به نام مرحوم ادیب و شیخ عبد الله تبریزی مقدمات فارسی را فرا گرفتم.

پس از آن به فراگرفتن علوم قدیمه اشتغال ورزیده، جامع المقدمات و شرح نظام را نزد حضرت حجت الاسلام آقای شیخ علی کاشف الغطاء و سیوطی را نزد عمویم شادروان مرحوم حجت الاسلام سید نعمت الله و شرح ابن عقیل را نزد حاج شیخ مرتضی طالقانی و مغنی را نزد حاج شیخ علی اکبر یزدی و حاشیه منطق را نزد شیخ شمس بادکوبه ای فرا گرفتم. در عنفوان جوانی، بواسطه از دست دادن پدر و مادرم، که به فاصله چهل روز به فراق ابدی هر دو گرفتار شدم، ترک تحصیل نمودم، در زمان اقامت در عراق اجازات روایت علم حدیث از علمای اعلام که سعادت درک محضر مبارکشان را داشتم به دست آورده، برای اطلاع به شرح زیر می نگارد:

آیت الله مرحوم آقا میرزا هادی خراسانی حائری مقیم کربلا؛

مرحوم آقا سید ابراهیم قزوینی؛

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی؛

مرحوم حاج شیخ عباس قمی؛
مرحوم آقا میرزا محمد تهرانی مقیم سامرا؛
مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی؛
مرحوم آقا میرزا محمد علی اردوبادی؛
حاج شیخ محمد رضا طبسی.

که رو نوشت اجازات مذکور نزد عمو زاده حضرت حجت الاسلام آقای سید محمد جزائری موجود است.

دو اجازه شفاهی دارم، یکی از مرحوم آقا میرزا عبدالجواد مازندرانی، که نابینا و از معمرین بود و از علامه [شیخ مرتضی] انصاری اجازه داشت و دیگری از مرحوم آقا سید آقای امام.

کتاب زیر را تالیف نموده ام:

- ترجمه هدایه؛ در علم نحو در زمان تحصیل؛

- زندگانی نامه؛

- نامه زندگانی؛ در احوالات خودم. این دو کتاب در کتابخانه آستان قدس می باشند؛

- کلید نجات؛ در خواص سور و بعض آیات قرآن، نزد عموزاده آقا سید مرتضی می باشد؛

- چهل حدیث؛ نزد بنده زاده سید محمد حسین جزائری است.

- کتاب کشکول مانند به نام گلزار احمد تقدیم به مرحوم والدم.

کتابی را که استنساخ نموده ام به شرح پایین است:

- شرح روضه کافی؛ مرحوم جدّ اعلی؛

- شرح تهذیب؛ نحو؛

- جبلّیه اولی؛ مرحوم سید عبد الله؛

- تعوید اللسان؛ مرحوم آقا سید آقای امام؛

- تذکره شوشتر؛

- منتخب الرمل؛ مرحوم والد؛

- المقاصد العلیّه آقا سید عبد الله مورخ ۱۳۶۱ در کتابخانه مرعشی نجفی؛ فهرست

؛۳۶۸/۱۱



- اجازه کبیره در همان کتابخانه تا التحفة النورية؛
 - و منظومه منطق مرحوم شهرستانی و کتابی در مورد اسماعیل بن بزیرع؛
 لعل الله يحدث بعد ذلك أمرا.

سنجه ۸۳) زندگینامه خودنوشت ملامحمدعلی فشندی ساوجبلاغی

فقیه نام آور شیعه، شیخ محمد جعفر فرشته طالقانی (متوفی ۱۱۳۳ ق) فرزند ملا محمد کاظم سر سلسله خاندان های برغانی، فشندی، حکمی و دیگر تبار بزرگ ساوجبلاغ، طالقان و قزوین است.

وی از شاگردان علامه محمد باقر مجلسی (درگذشته ۱۱۱۰ ق) بوده و از وی اجازه روایت داشته است.^۱

از نوادگان این تبار علم و فقاهاست شیخ محمد تقی فشندی و فرزند دانشمند او شیخ محمد علی (حمزه علی) فشندی است.

شجره نامه خانواده های شهیدی، صالحی و علوی شهیدی برای شیخ محمد تقی فرزندی با نام شیخ محمدعلی (شیخ حمزه) و شیخ عبدالله (مؤلف کتاب الرضاع) ثبت کرده است. از تاریخ زندگی این عالم بزرگ آگاهی چندانی در دست نیست.

دو تن از نویسندگان معاصر که از تبار برغانی هستند، به معرفی عالم و آثار او پرداخته اند: مرحوم عبدالحسین صالحی در معرفی وی چنین نوشته است:^۲

«المولى الشيخ حمزة علي بن الشيخ محمد تقى الفشندى». ولد في قرية فشند سنة ۱۲۶۷، وقرأ على والده وتخرج في الفقه والأصول على الشيخ علامة آل الصالحي، والشيخ علي نقى الصالحي، والميرزا حسين الخليلي، والآخوند محمد كاظم الخراساني والسيد محمد كاظم اليزدي وأخذ الفلسفة والحكمة عن الميرزا عبد الوهاب البرغاني وفي سنة ۱۳۲۵ رجع من النجف إلى موطنه قزوین ورأس هناك.

۱ دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۹۴، شجره نامه خانواده های شهیدی، صالحی و علوی شهیدی، ج ۱، ص ۲ تا ۵. اجازت الحدیث التي كتبها شيخ المحدثين محيي معالم الدين المولى محمد باقر المجلسي الإصبهاني، ص ۲۸۳، الكواكب المنتشرة، ص ۱۳۷ - ۱۳۸.
 ۲ شهیدی در دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۹۴ و مقدمه موسوعة البرغاني نیز همین آگاهی را به اختصار آورده است.

له مؤلفات منها كتاب: وقائع الأيام وحوادث الإسلام، ورسالة في النظام الدستوري الإسلامي، وتقريرات درسه في الفقه والأصول، وديوان شعر وغيرها. وهو والد الشيخ حسن والشيخ حسين، وكانت لهم مكتبة ضخمة في قزوین، ثم تبعثرت ومن نوادر مخطوطاتها الشاهنامه المصورة المؤرخة سنة ٥٠٠.

مرحوم يحيى شهیدی نیز در شجره نامه خانواده های شهیدی، صالحی و علوی شهیدی نوشته است:^۱

«شيخ محمد علي مشهور به شيخ حمزه علي (م ١٣٣٨) از علمای قزوین و اکابر مشروطه بود، از مولفات او وقایع الايام است. دو فرزند او شيخ حسين و شيخ حسن آل فشندی، از علما و فضلاي قزوین بودند».

همچنین علامه تهرانی از علمای هم روزگار وی درباره او چنین نوشته است:

الشيخ حمزة علي القزويني: عالم جليل وفقه فاضل، جاور النجف الأشرف عدة سنين مشتغلا بالعلوم الشرعية حضر على الشيخ الميرزا حسين الخليلي، والشيخ محمد كاظم الخراساني، والسيد محمد كاظم اليزدي، وغيرهم لازم اجابته هؤلاء الأعلام مدة غير قصيرة حتى حاز قسطا وافرا من الفقه والأصول وغيرهما، وفي حدود (١٣٢٥) قفل الى بلاده قزوین للقيام بالوظائف الشرعية، ونهض باعباء الهداية والارشاد وحاز مرجعية ورياسة دينية الى ان توفي.^٢

پدر وی شيخ محمد تقی بن محمد علی فشندی (١٢٤٤-١٣٣٥ق) از علمای بنام قزوین بوده و آثاری فراوانی از او در دست است:

ذخائر المحبتين في شرح ديوان أمير المؤمنين که ثمره بیش از سی سال تلاش اوست. وی در این اثر به زندگانی پیامبر و خاندان عصمت و طهارت پرداخته و در بیست و یک جلد این تالیف را فراهم آورده و هر جلد را به عنوانی جداگانه نامیده است.^٣ که عبارتند از:

برهان الناظرین جلد نخست این کتاب است که در ١٢٨٥ق تالیف آن به پایان رسیده است.

١ شجره نامه خانواده های شهیدی - صالحی و علوی شهیدی، ج ١، ص ٤
٢ طبقات اعلام الشيعة، ج ١٤ ص ٦٨٢.
٣ مستدرک الذريعة، ج ١، ص ٢٥١.

ذریعة الراجین و سفینة الناجین که جلد چهارم کتاب است در ۱۲۸۸ ق نگارش یافته است. نسخه ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۲۶۴۶^۱ موجود است و نسخه دیگری نیز در کتابخانه امام صادق[×] قزوین به شماره ۲۶۹۲^۲ نگهداری می شود. سفینة الناجین که به زندگانی امام حسین[×] و شهادت و وقایع پس از شهادت حضرت اختصاص دارد

صراط العارفين این اثر و کتاب نجات العاشقین درباره فضائل امیرالمومنین است. فضائل المضلین ویژه زندگانی و شهادت حضرت صدیقه طاهره⁺ است و در ۱۳۰۹ ق تالیف شده است.

مثالب المعاندين في احوال الخوارج و بنی امیة الملحدين که جلد سوم این مجموعه است. محامد الأنجبین جلد دیگر این کتاب است و همچنين کتاب وسیلة النابحین. برهان الناظرین تالیف به سال ۱۲۸۵ ق تالیف شده است. ایقاظ الغافلین را در سال ۱۲۹۷ ق در قزوین به تالیف شده است. أمل المشتاقین در باره زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. بضاعة المطيعین نام جلد دیگر این مجموعه است.

بشارة المسيئين جلد یازدهم این مجموعه است که در ۱۲۹۴ ق نگاشته است. تبصرة الراشدين و عبرة العارفين في أهوال يوم الدين مجلد هفدهم از کتاب ذخائر المحببین في شرح دیوان امیرالمؤمنین است که تاریخ تالیف آن ۱۳۰۴ ق قلمی شده است. مفاخر المعصومین که جلد هفتم بشمار می آید، به زندگانی حضرت امام صادق[×] اختصاص دارد.

مكارم المجاهدين که جلد دوم این کتاب است که در سال ۱۲۸۶ ق در موضوع جنگ جمل و صفین است. همچنین رجاء المذنبین جلد دیگری است که در سال ۱۳۰۴ ق نوشته شده است. مجلد دوم این روض الناظرین نام دارد که در ۱۲۹۵ ق نگارش یافته است.

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۷، ص ۲۲۶.

۲ فهرست نسخه های خطی کتابخانه امام صادق[×] قزوین، ج ۲، ص ۱۴۸.

حوالہ برتوف

بقول مولف: لکھا سنا عبدالصقر عدین محمد تقی افشندی زیدت در قریہ فشند و در قریہ کبیرہ بن طهران و قزوین
 فی شعبان من سنۃ ہجرت سبعین من المائۃ اثنان لود الالف و کتبت کثیرا و مشہرتت بکلی و مشغلتت بتحصیل
 العلوم الاوتیہ فی دار السلطنۃ قزوین و فرغت منها بعد من نصف و عشرين من عمری ثم قرأت لخوانساری عند سید علی
 الحائری الاغا سید علی الخوثرطی بسرہ و الروضۃ و البراض عند غیر من الاساطین ثم قرأت لبرسای علی
 عند سید ہند سید رضا الامامی طرہ و کتبت حواشی علی کتاب المدثور بما یقرب من مائۃ و خمسين اہ بیت ہم
 کتبت ما حدث الفاطمیہ عند سید علی المقدم درو و کتبت کثیرا من لحدیث و کتبت بعض الجوامع الہدیۃ
 کما عدۃ فان ابدا و ما عدۃ اشراج و غیرہا و کتبت کتابا فی علم الہدیین نظما و نثرأ کثیرا لہبوط سمتی بمظاہر الکمال و
 جمع کتابا آخر فی عزایب التواریخ و کتابا فی الموطا لہر نصائح الامام و کتابا فی جزئیہ لویجیع الامام الخوانساری
 و مضبوطہ فی کباب و ہر فی الکلام و ما کان قصتان ثم سا فرزت الہدیات لہدایات و اجمعت بالحق الاثر فی
 و عشرين من و مشغلتت بتحصیل الاصول و اخرجت عند الاساطین و الخول و کتبت کتابا عند المطالب فی وضع الکتاب
 عند علامۃ الرشید اکیح میرزا حبیبہم و کتابا فی الزین و کتابا فی ما حدث الفاطمیہ من الماد امر الہام و کتابا
 و قرأت الطہارتہ و اقصیہ من بدایہ الامام عند شیخنا الخاتم فی مخرجہ علی الکاظا در طرہ سترہ و قرأت بعض ما حدث
 الاصول الخفۃ عند محقق الماروانہ و عند شیخنا کلج میرزا حسین الطرکفی دام ظلہ شرفہ علی طہارتہ لہدوی و
 کتبت علیہ کتابین الخوانساری و قرأت بعض الابواب الخفۃ عند الامام الخوانساری فی ملاحظۃ الماروانہ
 و ادرکت لہم الطہارۃ لاساد الاکابر شیخ جعفر لہر زریہ و کتبت فی ملاحظۃ لہدوی من مائۃ و خمس لہر زریہ الخوانساری
 اللہ بقدر ثم رجعت الی قزوین و اجمعت بہا عشرين من ثم عدت لہدایاتک بتوفیق لہدایۃ ثانیۃ الی الخفۃ لہر زریہ و کتبت
 فی ہذا السنۃ الذریعۃ من سنۃ سبعین فی فیلۃ الاسباب کتاب ہدایا الفافۃ فی تہ لہر الاخرۃ فی مجلدین لہدوی
 من مائۃ الف بیت و ما تسلسلہ لہر زریہ کتبت منہ زرارہم و کتاب وسیلۃ الخافۃ فی شرح دعا لہدایات و کتاب فی العلم
 فی شرح دعا لہدایات و کتاب فی الاسباب لہدایات و کتاب مظہر العجایب فی توضیح حلیۃ من الماخذ لہدایات لہر زریہ
 و شرعت فی تہ لہر زریہ لہدایات فی تالیف کتاب العجایب فی ہررار فضایب اللہایب و فہما ہم و ایاکم لہدوی و ما تہ
 و بند الماروانہ

میرزا تقی افشندی

سنجہ کتاب (۸)





از آثار دیگر این فقیه ارجمند اسرار المصائب و نکات النوائب در مقتل حضرت اباعبدالله الحسین[×] به سال ۱۳۲۳ ق در نجف اشرف نوشته شده است. این کتاب در یک مقدمه و چند فصل و یک خاتمه نوشته شده است. نسخه ای از این اثر در کتابخانه مجلس به شماره ۷۸۳۲^۱ ثبت شده است.

شرح مراثی علامه بحرالعلوم نام اثر دیگر این عالم فرزانه است و در آن مراثی دوازده بند مشهور علامه بحر العلوم نجفی با عنوان عقود الإثنی عشر فی مراثی سادات البشر را شرح داده است. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۹۶/۴^۲ موجود است. نویسنده این زندگینامه خودنوشت؛ شیخ محمد علی فشندی آن گونه که در این زندگی نامه نوشته است؛ در شعبان ۱۲۷۱ ق در فشنند از توابع ساوجبلاغ بدنیا آمده است و نام اصلی او حمزه و به علی شناخته شده است.

آغاز تحصیل او در حوزه قزوین بوده و مقدمات علوم را تا بیست و پنج سالگی به پایان رسانیده و سپس در محضر اساتید نامدار حوزه قزوین شاگردی کرده است. قوانین را نزد سید علی قزوینی و شرح لمعه و ریاض المسائل را نزد دیگر اساتید آموخته است.

رسائل را نزد سید رضا لاهیجی فرا گرفته و بر کتاب یاد شده حاشیه ای بالغ بر بیست و پنج هزار سطر نوشته است.

مباحث الفاظ رسائل را از سید علی قزوینی فرا گرفته و کتابی درباره آن با نام مرآت العقول در دو جلد نگاشته است.

در برخی قواعد فقهی مانند ضمان الید، تسامح و التخطئة و التصویب و دیگر قواعد آثاری قلم زده است.

مظهر الکمال اثری به نظم و نثر از اوست که در علم رجال به یادگار نوشته است. غرائب التواریخ در علم تاریخ، نصائح الانام در مواعظ، وقایع الایام در تاریخ اسلام،

۱ فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۶، ص ۳۱۶.

۲ فهرستگان فنخا، ج ۱۸، ص ۹۴۷.

منظومه ای در حساب، و کتاب در علم کلام از دیگر آثار او در روزگار تحصیل در حوزه قزوین بشمار می روند.

سفر به عتبات عالیات و حضور در حوزه علمیه نجف فصل دیگری از زندگی اوست، وی با آموختن فقه و اصول در نزد علمای نجف آثاری چنین پدید آورده است:

شرحی بر مکاسب شیخ انصاری با نام سبیل المطالب فی توضیح المکاسب که دستاورد حضور او در درس میرزا حبیب الله رشتی است و کتابی نیز در اصول فقه، مبحث الفاظ، از او امر تا عام و خاص نوشته است.

مباحث فقهی طهارت و صلوات را نزد شیخ محمدحسین کاظمی صاحب کتاب هدایة الانام فرا گرفته است. مدتی نیز در درس فقه و اصول فقه شیخ محمد فاضل ایروانی و ملا لطف الله لاریجانی افتخار شاگردی داشته است.

کتاب طهارت دروس شهید اول را از میرزا حسین تهرانی فرا گرفته و کتاب انیس النفوس در همین بحث تالیف کرده است.

وی در سالهای حضور در نجف، در مجالس وعظ و ارشاد شیخ جعفر شوشتری حضور داشته و بیش صد مجلس را تقریر کرده است.

پس از سالها خوشه چینی از محضر عالمان و بزرگان حوزه نجف، به قزوین مراجعت نموده، و پس از اقامت ده ساله در این شهر، در شصت سالگی به نجف بازگشته است.

در این سفر شش سال در نجف بوده و این آثار یادگار حضور آن سالهاست:

هدایا الفاخرة فی تهیة سفر الآخرة در دو جلد نزدیک به دویست هزار سطر؛

بشارة الزائرین که چند جزوه از آن آماده شده است؛

وسيلة النجاة فی شرح دعاء السمات؛

الفلاح فی شرح دعاء الصباح؛

بساتین الأنس در مواعظ؛

مظهر العجائب فی توضیح جملة من الأخبار المشکلة الغرائب؛

نکات النوائب فی اسرار مصائب الأطائب که در سال ۱۳۲۳ تالیف آن را آغازیده است.

منظومه ای در منطق با عنوان خلاصة التحقيق سروده و شرحی برآن با عنوان نهاية التحقيق نوشته است.

وی منظومه ای نیز در علم رجال با عنوان مظهر الکمال سروده و سپس به شرح آن پرداخته و نهاية الآمال نامیده است.

رساله در دیات به نام تحفه رضویه، حاشیه ای بر مبحث استصحاب رسائل، معیار الموازين و دست آخر نکات المریدین در علم نحو که از آثار دیگر اوست.

درباره وقایع الایام اثر او باید گفت: وقایع و حوادث هر ماه را در مجلدی جداگانه فراهم آورده و عنوانی مستقل داده است. برای نمونه وی وقایع ماه ذی الحجّه را با عنوان صنایع الکرام فی حوادث ذی الحجّة الحرام ثبت کرده است. نسخه ای از این اثر در کتابخانه شخصی مرحوم حاج عبدالحسین صالحی در قزوین موجود است.

این زندگینامه در پایان کتاب بساتین الأنس نوشته شده و تاریخ نگارش آن آغاز صفر ۱۳۲۳ ق است. نسخه یادشده در کتابخانه علامه سید ابوالحسن رفیعی قزوینی در شهر قزوین به شماره ۱۳۸۳ نگهداری می شود.

این کتاب در مواظ است. ساختار کتاب بر پایه «مجلس» سامان یافته و در شروع هر مجلس پس از تفسیر آیه یا روایتی به موضوعات دینی و تاریخی و مذهبی پرداخته است.

متن زندگی نامه خودنوشت

احوال المؤلف: يقول مؤلف الكتاب أنا العبد الأحقر علي بن محمدتقي الفشندي، ولدت في قرية فشند وهي قرية كبيرة بين طهران وقزوین، في شعبان من سنة إحدى وسبعين والمائة الثالثة بعد الألف، وسميت بجمزة واشتهرت بعلي واشتغلت بتحصيل العلوم الأدبية في دارالسلطنة قزوین و فرغت منها بعد مضي نيف والعشرين من عمري، ثم قرأت القوانين عند سيّد العلماء العاملين الآغا سيد علي القزويني (طاب رمسه)، والروضة والرياض عند غيره من الأساطين، ثم قرأت الرسائل سطحاً عند السيّد السند السيّد رضا لاهيجي (طاب ثراه)، و

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه علامه رفیعی قزوینی، ص ۱۳۸-۱۳۹.

كتبت حواشي على الكتاب المذكور بما يقرب من مائة وخمسين ألف بيت. ثم كتبت مباحث الألفاظ خارجا عند السيّد علي المتقدّم ذكره وسمّيته بمرآة العقول في مجلدين، وكتبت بعض القواعد الفقهيّة كقاعدة ضمان اليد وقاعدة التسامح وغيرها وكتبت كتابا في علم الرجال نظما ونثرا كشرح السيوطي سمّيته بمظهر الكمال وجمعت كتابا آخر في غرائب التواريخ وكتاباً في المواعظ المسمّى بنصائح الأنام وكتاباً آخر مسمّى بوقائع الأيام بعنوان الفهرست ومنظومة في الحساب وأخرى في الكلام وهما ناقصتان، ثم سافرت إلى العتبات العاليات وأقمت بالنجف الأشرف نيّف وعشر سنين واشتغلت بتحصيل الأصول والفروع عند الأساطين والفحول وكتبت هناك سبل الطالب في توضيح المكاسب، عند العلامة الرشتي الحاج ميرزا حبيب الله، وكتابا في الرهن وكتابا في مباحث الفاظ الأصول من الأوامر الى العام والخاص وقرأت الطهارة والصلاة من هداية الأنام عند شيخنا العلّام الشيخ محمد حسين الكاظمي (طاب ثراه) وقرأت بعض مباحث الأصول والفقه عند المحقّق الإيرواني & وعند شيخنا الحاج ميرزا حسين الطهراني «دام ظلّه»، شردمة من الطهارة الدروس وكتبت عليه انيس النفوس وقرأت بعض ابواب الفقه عند العالم الذي ليس له ثاني، ملا لطف الله المازندراني &، أدركت العالم العامل الأستاذ الأكبر الشيخ جعفر شوشتری & وكتبت من مواعظه ما يقرب من مائة مجلس لم يبرز منها الى المبيضة إلا قليل.

ثم رجعت الى قزوین وأقمت بها عشر سنين ثم عدت بعد ذلك بتوفيق الله ثانياً الى النجف الأشرف وكتبت في هذا السفر الذي مضى منه ستّ سنين، مع قلّة الأسباب، كتاب هدايا الفاخرة في تهية سفر الآخرة، في مجلدين يقرب من مائة ألف بيت وكتاب بشارة الزائرين كتبت منه كرايس وكتاب وسيلة النجاة في شرح دعاء السمات وكتاب الفلاح في شرح دعاء الصباح وكتاب بساتين الأنس في المواعظ وكتاب مظهر العجائب في توضيح جملة من الأخبار المشكّلة الغرايب وشرعت في غرة شهر صفر ١٣٢٣ في تأليف نكات النوائب في اسرار مصائب الأطائب وفقنا الله وإياكم لتحصيل مرضاته ونيل المآرب.

مباحث

سنين
كل
سنة



سنجه ۸۴) دیوان اشعار مداح خرقانی

یکی از عالمان شاعر منطقه بویین زهرای قزوین، مرحوم شیخ محمد علی قدیانی متخلص به «مداح» است. خاندان وی به نام «هاشم خانلو» شهرت دارند. وی در روستای پرسبانج از توابع شهرستان بوئین زهرا قزوین متولد شد. وی یک کشاورز ساده بود و به زراعت و دامداری در این روستا اشتغال داشت. در عنفوان جوانی بعد از دیدن یک خواب عجیب، که اطلاعی از محتوای آن نیست، به گونه ای غیر منتظره بینایی خود را از دست می دهد و ناگهان بازاری و گریه بیش از اندازه، در می یابد طبع شعر و قریحه ادبی به او الهام شده است و بلافاصله شروع به سرودن شعر می نماید.

اصل دیوان اشعار قدیانی تا کنون چاپ نشده و در نزد فرزند ایشان جناب آقای عطاء الله قدیانی در قزوین نگهداری می شود. نسخه دیگری از این دیوان در قطع جیبی و به خط کربلایی ابوالفضل یعقوبلو - از عموزادگان آن مرحوم - موجود است.

متن اثر به خط نستعلیق تحریری، هر صفحه حاوی ده سطر، در بردارنده مراثی و نوحه های ترکی این عالم و مرثیه سرای اهل بیت علیهم السلام است. بیش از یک قرن است که مرثیه ها و نوحه های این شاعر در مجالس عزا و سوگواری اهل بیت علیهم السلام در این منطقه خوانده می شود و تاکنون نیز ادامه دارد. افرادی از اهالی این روستا و حوالی آن نوحه ها و مراثی مداح خرقانی را به خاطر سپرده اند.

آرامگاه این عالم و شاعر در قبرستان وادی السلام قم (بخش هشت ردیف صد و پنج، قبر بیستم) قرار دارد، متن سنگ مزار او چنین است:

«آرامگاه مرحوم مغفور شیخ محمد علی قدیانی فرزند مرحوم مهرعلی مشهور بمداح خرقانی که به تاریخ ۱۳۵۲/۹/۲ مطابق با ۲۷ شوال ۱۳۹۳ دار فانی را وداع نمود.

وفدت علی الکریم بغیر زاد و بالحسنات و القلب السلیم
 فحمل الزاد اقبح کل شیء اذا کان الوفود علی الکریم»

یکی از سروده های مشهور این شاعر چنین است:

چون قدم قویدم حسینون صحننه ایواننه
 غرق اولدوم بحر رحمت فیضنه، احساننه
 گوردم آق سقل حبیب ایوانیده دربان الوب
 جان فدا بو شهریارین دربنه، درباننه
 چون قدم قویدوم ضریحه بیر سلام عرض ایلدم
 آلتو گوشه قبر ایچینده کربلا سلطانه
 گوردوم آلمش اصغرین قنراقنی آغوشنه
 گه باخور قانلو بوغازه گه لب عطشاننه
 قارا معجرلی رباب هر دم دییر لای لای بالا
 بو شیرین دیلینن دییر نوحه، قوزو قرباننه
 بیر جوان گوردوم او پایین پای قبر ایچینده یاتوب
 آسمان اولدزلاری تکی یازم گمش جاننه
 شهدا لر جمله بیر قبر ایچره اتمش انجمن
 هم نفس اولمش تماماً زینبون افغاننه
 بیر اوشاق سو جامی الدهه العطش سسلر قاچار
 بیر اوجا بویلو اوزون قولو دلاور یانونه
 هر زمان سسلر عمو الدوم سوسوزدان العطش
 سو ترحم ایلییر حسینون جاننه، ریحاننه
 حاجت ایستر باب رحمتدن بو «مداح» ذلیل
 نقش ایدوب عباس آدون بو سینه ی سوزاننه

سنجه ۸۵) سه اثر نویافته از عالم فقیه سید یعقوب لاسمی لاریجانی

عالم و فقیه گمنام سید یعقوب لاسمی لاریجانی، دانش آموخته حوزه نجف و تهران بوده و پس از تحصیلات در شهر بابل زندگی را بسر برده است. بر پایه آگاهی نوادگان وی به نگارنده؛ ایشان در سال ۱۳۱۰ ش در زادگاهش لاسم درگذشته است. مزار وی در صحن «امامزاده فضیل شهید» این روستا قرار دارد. وی برادری به نام سید آقابزرگ داشته که از عالمان بنام منطقه لاریجان بوده است.





مجموعه ای خطی در بردارنده سه کتاب؛ شرح حدیث حقیقت امیرالمومنین^x و تاریخ زندگانی شخصی و وصیت نامه اخلاقی از ایشان به تاریخ ۱۳۴۱-۱۳۴۴ ق در دست است که در نوع خود بی مانند و پرارزش بشمار می آید.

با جستجوی منابع تنها یک رساله با عنوان فلسفه قوانین اسلام در کتابخانه ملی نگهداری میشود و جز آن، آگاهی دیگری از این شخصیت علمی بدست نیامد.

وی رساله فلسفه قوانین اسلام را در ربیع الاول ۱۳۳۷ ق در ساری آغازیده و در بارفروش به پایان برده است. هدف وی تنبه معاندین و تذکر عوام از مسلمین و حراست و حفاظت قوانین اسلام است.

این رساله مشتمل بر مقدمات و فصول است. مقدمه اول در بیان علت بعثت رسل و انزال کتب، مقدمه دوم هر قانون مدنی و معاشیه که برحسب اقتضاء زمان و استعداد نوع بشر وضع گردیده، مقدمه سوم در هر عصری وضع قانون باید به مقتضای عصر و ملایم به طباع ملک و ملت باشد، مقدمه چهارم به حکم اجبار مخبر و رسول ثانی باید مصدق مخبر و رسول قبل باشد، مقدمه پنجم در هر دوره از ادوار دستوره مبدء باید به زبان مخبر و رسول مبعوث از آن قوم باشد، مقدمه ششم هر دستوری برای امورات سیاسیه و مدنیّه منوط بر کیفیات و کمیات و مقتضیات هر عصر در نظریات ملت زمان باشد. بعد از مقدمات [در فصل اول] به طریق اختصار تاریخ سیاست و ترقیات سیاست عالم و نوع بشر را از بدو خلقت آدم ذکر نموده است و فصل دوم به فلسفه قوانین اسلام و سیاست اختصاص یافته است. رساله یادشده به شماره ۲۰۷۵۳/۵ در کتابخانه ملی نگهداری می شود.

رساله تجریدیّه اثر کلامی دیگری از این مولف است که در وصیت نامه اخلاقی خود به آن اشعار دارد: «... چنانچه در رساله تجریدیّه داعی ملاحظه نمایید، به برهان محسوس داشتم که عالم دیگری است اشرف تر از این عالم نفس بشری با بدن مثالی به آن عالم، پس مفارقت از ابدان مسافرت خواهد نمود...» (وصیت نامه برگ ۱۳ ب)

مجموعه دیگری نیز شامل شرح حدیث نورانیّه و خلق الاعمال و الدرّة الفاخرة فی بیان وجود الواجب و قبله الآفاق به قلم وی کتابت شده و در کتابخانه حرم حضرت معصومه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف
بنی نوح آدم وسبب ايجاد العالم الذي خصه الله با
الكلام وحباه بالرسالة وجعله ورثة الانبياء
وعلمه علم ما كان وما يكون وما بقى اعني محمد ابن
عبد الله وألا سيما اميند ووزيره ووصيه و
روح ابنته علي ابني ابطال واولاده وذرياته
اما العن جون ففاض بخلق برب فيض زاتي فخلق علي
فومم بمقتضاي كنت كنز الخفيا وحببت ان اعرفه وخلقته
الخلق لكي يعرف مقتضاي من عوالم خلقى در او بكمما شسته
عالم ترابا ميكن آدم صا ومحل تعشش بشر مقرر رسته وعوالم
مجردة بحر واثبات بر كذا تر زمم ارا با نكده بر حوارث در اوم واثبات
نبوده بقاء واثبات ان با خيرا خالق موجودات است بقاء سلسله
بشر با به تناك و تناسب اختصاص فرمم كه طبقه اول بسببه و جوف
ثاني و باعث ترتيبت ان كرده موقع استحالي از اين عالم طبقه
ثاني قائم مقام طبقه اول شده باشند كه سلسله بشر بر قرار نظام
عالم استوار بوم با تعشش و زندگاني نيز مستلزم لوازم بوم
بكم طبيعت هر يك قيام بطلب نافع و دفع مضار خواهد نمود

قوله اوليه



(علیها السلام) به شماره ۷۰۳ نگهداری می شود. این مجموعه در تاریخ شوال تا رجب ۱۳۱۴ ق در مدرسه صدر تهران نوشته شده است. شرح این مجموعه تازه یاب چنین است:

شرح حدیث حقیقت یا کمیلیه

این رساله گزیده در شرح عرفانی شرح عرفانی سؤال کمیل بن زیاد از امیرالمومنین^خ در موضوع حقیقت است. این اثر به عربی و با عنوان «فصل - فصل» نوشته شده است. این شرح به خط مولف با نسخ تحریری در تاریخ پنجشنبه بیست و پنجم ذیقعده ۱۳۴۱ ق قلمی شده است. آغاز: الحمد لله الذي نطق ذاته بصفاته وحجب صفاته لذاته ... اما بعد ان كلمات الخمس المأثور عن أميرالمومنين في جواب كميل بن زياد نخعي صاحب سرّه وقابل وجوده ... لذا أحقر المشتغلين تراب أقدام أهل التوحيد واليقين يعقوب بن حسين الحسيني لاسمي لاريجاني مازندراني ... شرعت شرح مختصرة تسهلا لسالكين عند العمل ... انجام: وما قلت في شرح هذا الكلمات الجامعة المقدسة واصول الطريقة السلوكية كقطرة من البحر العرفان ولست مأذونا بطول الكلام فيها وليس لنا اجازة لكشف أسرار الربوبية ورموزاتها ودقايقها أزيد من ذلك . انجامه: قد تمت هذا الشرح المختصر من تأليفه وتحريره بيد أحقر المشتغلين خادم العرفاء والسالكين يعقوب بن حسين الحسيني لاسمي لاريجاني مازندراني في ليلة خميس من خمس وعشرين من شهر ذيقعدة الحرام من سنة ۱۳۴۱ ...

زندگانی نامه خود نوشت

این کتاب شرح زندگی تحصیلی وی که سه سال در نجف و مراجعت به تهران و بازگشت به بارفروش است. بیشتر وقایع این اثر ویژه زندگی اجتماعی و خانوادگی مولف است. این اثر، تاریخی از وضعیت زندگی در بارفروش و فرهنگ عمومی این منطقه را به تصویر کشیده است. وی از بزرگان شهر بوده و اداره صلحیه این شهر را برعهده داشته است. هرچند این

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه حرم حضرت معصومه (س)، ج ۲، ص ۴۳۴.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله الذي نطق ذاته بصفاته وحب صفاته لذاته
 ونفوس قلوب العارفين بأشراق أفعالهم على
 أوليائه آثاره وجعل المرشد من ساكنين الكمال مخلو
 قاته واصلواته والسلام على قطره ذاته وا تم
 كلمته المحففة المحمدية الملتوت من جلال الاحدية
 خاتم الانبياء محمد ثم قبلت العارفين ومقصود
 ويعتوب الذين على ابن ابي طالب اما بعد ان
 كلمات الخصال لما تفرغ عن اهل المؤمنين في جواب
 كميل ابن زياد نخعي صاحب ستره وقابل جوده
 وبالله مشهور عند العارفين وسموه بـ
 في سلوكهم فليظن المتبصر فيه بنظر دقيق وتفكر
 فيه بفكر العميق ليس لاحد في كشف سترها ولا
 يتمكن في حل مرموزاتها الا اجماع العارفين
 والرسوخ في العبادات لئلا يحترق المشغولون
 تراب اقدام اهل التوحيد واليقين يعقوب ابن حمزة
 الحسيني لا يسعي لاربحي ما زلت اراي مع تعلق بالانواع



رساله جز شرح فقر و بی سوادى و اختلاف خانوادگى نیست، ولى رویدادهای اجتماعى با قلمى روان و گيرا با جزئیات تمام آمده است. این اثر، ادامه تاریخ زندگانی مولف و در واقع درسى برای فرزندان است تا به تلخى و ناگواری زندگانی مولف پرهیزند.

آغاز: الحمد لله الذي أبدع الوجود وأفاض الجود وأظهر شئونه وأبرز نور حقيقة المحمديّة قبل خلقه ... اما بعد این بنده سرتا پا تقصير يعقوب بن حسين لاسمى لاریجانی چون تاریخ زندگى خود را در یک مجلد نگارش دادم، لازم دانستم تاریخ زندگى خود را اختصاصاً بصیال و اولاد در این رساله تدوین و نگارش بدهم، تا طبقات بعدى كاملاً مستحضر شوند كه بنده چه صدمات در زندگى دنیا دیدم ... مقدّر حقیر در دنیا به راحت نشده، از عنفوان جوانى تا آخر زندگى دچار شدائد بوده ام، لكن شدائدى بالاتر از گرفتاری حقیر از عیال و اولاد، برای احدی از بشر تاکنون واقع نشده و مثل آن دیده و شنیده نگردیده ...

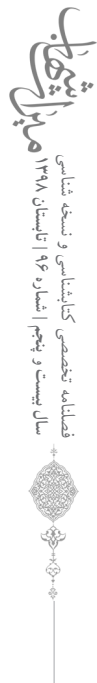
انجام: اگر بخوایم جزئیات عملیات هر یک را بنویسم گنجایش این کتاب نیست تاریخ

شهریور ۱۳۹۰

وصیت نامه اخلاقى

این وصیت نامه با جملاتی کوتاه و عباراتی ساده مجموعه ای از فرامین و دستورات اخلاقى و تجربیات مولف و رهنمودهای او برای زندگى بهتر است كه برای فرزندان سید مهدى و سید نعمت الله و سید ابوالحسن و سایر فرزندان و نوادگان نوشته شده است.

آغاز: الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على أشرف بنى نوع آدم و سبب ایجاد العالم ... از آنجایی كه دوام و ثباتى در این عالم نبود، ارتحال از عالم ترابى به عالم ابدى لازم آمد، موقع ارتحال نیز لازم آمد كه طبقه اول مقاصد و آمال خویش را به طبقه ثانى كه قائم مقام و جانشین اوست، توصیه و سفارش بنماید كه موجب تذكر به اسلاف و دستور به اعقاب بوده باشد، لذا حقیر سراپا تقصير يعقوب بن حسين حسنى لاسمى لاریجانی برای نورچشمان خود سید مهدى و سید نعمت الله و سید ابوالحسن و سایر اعقاب و احفاد خود جملاتی مختصراً توصیئاً مینگارم



انجام: به توصیه حقیر عمل نموده که نجات دنیا و آخرت شما خواهد بود و حقیر نیز از شما راضی خواهم گشت. خاتمیت این رساله مختصره نالایق را به خاتم الوصیین خاتمه دادم، موفقیت شما را موقع عمل از حضرت خداوندی مسئلت میدارم، اللهم وفقنی بطاعتک واحشرنی بأولیائک بحق محمد وآله.

انجامه: تمت فی رابع من شهر جمادی الاولی فی اربعة و اربعین بعد الألف و ثلاثمائة بعد الألف سنة ۱۳۴۴.

نسخه این مجموعه به خط مولف، دارای تصحیح و قلم خوردگی و برافزوده هایی به قلم وی است و در ۹۴ برگ تحریر شده است.

سنجه ۸۶) زندگینامه خودنوشت میرزا ابوطالب اصفهانی تبریزی

«مورّخ بی نظیر و نکته دان بیمانند»^۱ میرزا ابوطالب تبریزی اصفهانی^۲ از ناموران تاریخ و ادبیات و سیاست در قرن سیزدهم بشمار می رود. پدر وی حاجی محمدبیک خان بن محمد شفیع تبریزی که از ترکان آذربایجان و متولد عباس آباد اصفهان بود، در عهد جوانی به هند کوچید و در لکنهو اقامت گزید. زمانی نگذشت که با شایستگی و کارایی، ملازم وزیر ابوالمنصورخان صفدر جنگ شد و به سمت ریاست جمعی از فرقه سپاه منصوب گردید. پس از درگذشت ابوالمنصورخان، فرزندش شجاع الدوله جای او را گرفت. حاجی محمدبیک خان که از دوستان محمدقلیخان برادر زاده و معاون صفدر جنگ بود، از بیم شجاع الدوله به مرشد آباد بنگاله رفت. وی در سال ۱۱۸۲ ق در همان شهر وفات کرد.

میرزا ابوطالب به سال ۱۱۶۶ ق در لکنهو به دنیا آمد. شجاع الدوله به نوشته میرزا ابوطالب به «مقتضای اتحاد ایلی» به خانواده حاجی محمدبیک خان رسیدگی مینمود و تفتیش حال و تفقد بر احوال او می نمود. وی اسباب تعلیم و تربیت میرزا ابوطالب را فراهم کرد و برایش مستمری برقرار کرد.

۱ تحفة العالم، ص ۳۶۸

۲ صاحب مفتاح التواریخ نظر به مسافرت او به لندن و اقامت دوسالانه وی در آن شهر او را "ابوطالب لندنی" لقب داده است (مفتاح التواریخ)

سال های جوانی این شاعر و مورخ ایرانی، به خدمت در دربار حاکمان و سلاطین گذشته است، تا بیست سالگی در دربار مظفر جنگ در مرشد آباد به خدمت مشغول بود. چون نواب آصف الدوله محمد یحیی علیخان بهادر به حکومت اوده رسید، میرزا ابوطالب به دعوت مختارالدوله در آنجا به مقام علمداری (مامور دیوانی) رسید. پس از یک سال به خدمت برای کارگزاران انگلیسی در هند پرداخت. سالهای عمر او چنین در خدمت گذشت و در ۱۲۱۳ق از کلکته هند به سوی اروپا عزیمت کرد، که سفرنامه او یادگار این سفر است و در آن حوادث سفر آفریقای جنوبی تا لندن و فرانسه و ایتالیا و استانبول و بصره و مکه ثبت شده است. وی در ۱۲۱۸ به کلکته بازگشت و در ۱۲۲۰ در گذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.^۱

آثار میرزا ابوطالب تبریزی

- رساله ای در علم اخلاق: اثری است مختصر در اصول فضایل انسانی و بیان اقسام رذایل و طریقت اکتساب اخلاق و مراتب سعادت و بیان امراض نفسانی و معالجه آن.

سه نسخه از این اثر که هر سه ضمیمه خلاصه الافکار است، در کتابخانه آیت الله مرعشی مجموعه رسائل میرزا ابوطالب به شماره ۸۹۳۷^۲ و مجلس سنا به شماره ۱۳۰۶^۳ و مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۸۴۶^۴ موجود است.

- رساله ای در عروض و قافیه: مشتمل بر مسائل ضروری در دو باب عروض و قافیه سامان یافته است. عروض دارای هشت فصل و قافیه در پنج فصل است. دو نسخه شناخته شده از

۱ اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۴۸ - چاپی فارسی، ج ۴، ص ۴۷۵۴-۴۷۵۵ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۶۲۵-۶۲۸ - دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۱۵-۴۱۶ - دانشمندان آذربایجان، ص ۲۴۴ - الذریعة، ج ۹، ص ۶۳۸ و ج ۲۶، ص ۲۸۹ - فرهنگ سخنوران، ج ۱، ص ۲۷ - مستدرکات الأعیان، ج ۸، ص ۳۲-۳۴ - مطلع انوار، ص ۵۶-۵۷ - مؤلفین کتب چاپی، ج ۱، ص ۱۷۵ - هدیه العارفین، ج ۱، ص ۲۴۳ - موسوعة مؤلفی الامامیة، ج ۱، ص ۴۳۵-۴۳۸ - مسیر طالبی (مقدمه).

۲ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۳، ص ۱۰۹-۱۱۱.

۳ فهرست نسخه های خطی مجلس سنا، ج ۲، ص ۲۱۸.

۴ فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۳، ص ۵۸.

این کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی مجموعه رسائل میرزا ابوطالب شماره ۸۹۳۷^۱ و مجلس سنا شماره ۱۳۰۶^۲ نگهداری می شود.

- مسيرطالبي في بلاد افرنجی: این اثر معروف در سه جلد نوشته شده و شرح سفر پنج ساله او به اروپا و افریقا است. و آن را پس از بازگشت به هند در ۱۲۷۹ ق نوشته است. کتاب سرشار از اطلاعات ناب از زندگی و آداب و رسوم و معماری شهرها و کتابخانه هاست، وی با اقامت دوساله در لندن، بیشترین آگاهی را از این شهر و فرهنگ و هنر آن بدست داده است. این کتاب بارها به انگلیسی و اردو ترجمه و چاپ شده و در کشور ما به همت مرحوم حسین خدیوچم در ۱۳۵۲ ش به طبع رسیده است.

- رساله ای علم موسیقی: در تعریف آواز و نغمات مختلف قریش و هند و نام آلات موسیقی. سه نسخه موجود از این اثر، در کتابخانه آیت الله مرعشی؛ مجموعه رسائل میرزا ابوطالب شماره ۸۹۳۷^۳ و مجلس سنا شماره ۱۳۰۶^۴ و مرکز احیاء میراث اسلامی شماره ۸۴۶^۵ موجود است.

- شرح لغز زبده الاصول شیخ بهایی: نسخه ای از این تالیف در کتابخانه ملک، به شماره ۳۲۰۸^۶ ثبت شده است.

- شرح الفیه ابن مالک در علم نحو: یگانه نسخه این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی، به شماره ۱۷۵۹۹^۷ موجود است.

- رساله ای در فنون طب که برگزیده کوتاهی از مخزن الادویة عقیلی خراسانی است. برخی از معالجات طبی و مقدمات تدبیری که بی حضور طبیب می توان به کار بست، در این برگزیده آمده است.

- ۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۳، ص ۱۰۹-۱۱۱.
- ۲ فهرست نسخه های خطی مجلس سنا، ج ۲، ص ۲۱۸.
- ۳ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۳، ص ۱۰۹-۱۱۱.
- ۴ فهرست نسخه های خطی مجلس سنا، ج ۲، ص ۲۱۸.
- ۵ فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۳، ص ۵۸.
- ۶ فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملک، ج ۶، ص ۳۰۰.
- ۷ فهرستگان فنخا، ج ۱۹، ص ۸۸.



دو نسخه از این اثر در فهرس نسخ خطی شناخته شده است؛ در کتابخانه آیت الله مرعشی، مجموعه رسائل میرزا ابوطالب، به شماره ۸۹۳۷^۱ و مجلس سنا، به شماره ۱۳۰۶^۲.

- لب السیر و جهان نما: تاریخ مختصر عمومی جهان و زندگینامه گروهی از شخصیت های تاریخی و شرحی کوتاه از تاریخ عصر جدید اروپا و آمریکا است و در ۱۲۰۸ ق در چهارباب: احوال انبیاء، وقایع خلفا، زندگی نامه فلاسفه یونان و روم، صحابه پیامبر گرامی اسلام و تابعین و علما و شعرای اسلام، شرح احوال سلسله های مشرق زمین از جمله حاکمان هند و شاهان دکن و کشمیر، سامان یافته است.

دو نسخه از این اثر به ضمیمه خلاصه الافکار است که در کتابخانه آیت الله مرعشی، مجموعه رسائل میرزا ابوطالب، به شماره ۸۹۳۷^۳ و مجلس سنا به شماره ۱۳۰۶^۴ نگهداری می شود.

- تصحیح دیوان حافظ و سعدی: که به همت مستر جانسن در ۱۲۰۶ ق در ۱۲۰۰ نسخه به چاپ رسیده است و نخستین طبع و تصحیح از دیوان این دو شاعر است.

وی در خلاصه الافکار ذیل شرح حال حافظ چنین نوشته است:

«بر ضمیر منیر ارباب خبر واضح باد که مستر جانسن که از اعزّه فرنگ است و مناسبت مزاجی با اهل کمال هر جایی دارد، در آغاز سنه ۱۲۰۲ هجری اراده کرد که بعضی کتب مشهوره اسلامی را که به تصحیف کاتبان در شرف تزیین است، بنابر یادگار نام نیک، به قانون کتب فرنگ چهپاه (=چاپ) کرده از آفت، لهذا شروع از کلیات خواجه مرحوم و شیخ سعدی کرده، مبلغی بر این کار صرف نمود و چون چهپاه گران مقلّد محض و بی سواد می باشند، اهتمام آن کار به این فقیر حقیر محوّل فرمود. این حقیر اولاً از نسخه ای از دوازده دیوان خواجه انتخاب کرده، آن را به چهپاخانه فرستاد و بسبب تصحیح غلط چهپاخانه گران چند سال آن کار امتداد یافته و در اواسط سنه ۱۲۰۶ هجری روی به تمامی نهاد و قریب هزار

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۳، ص ۱۰۹-۱۱۱.
 ۲ فهرست نسخه های خطی مجلس سنا، ج ۲، ص ۲۱۸.
 ۳ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۳، ص ۱۰۹-۱۱۱.
 ۴ فهرست نسخه های خطی مجلس سنا، ج ۲، ص ۲۱۸.

و دو صد نسخه در کمال تنقیح به یکبارگی مرتب گشت و چون صاحب موصوف در این اثنا رهگرای ولایت خویش گشت، چهپایه دیگر کتب در معرض تعویق ماند، آن کتب حالا در بلده کلکته در معرض بیع اند، ششصد کتاب که بر کاغذ فرنگ نقش شده، به عوض اشرفی که شانزده روپیه باشد و ششصد دیگر که بر کاغذ هند است و به هشت روپیه می فروشند و این کتاب اول کتاب اسلامی است که به دستور فرنگ، چهپایه شده و شکل حروف به طریق نستعلیق است. باقی تفصیل احوال خواجه و طریقه چهپایه در دیباچه آن کتاب، که انشای این حقیر است، نگارش یافته هر کس خواسته باشد، به آن رجوع نماید.» (برگ ۶۲ ر)

در ذیل شرح حال سعدی نوشته است:

«کلیاتش که بوستان و گلستان و سه دیوان غزل و کتاب و قصاید و غیره بیست و یک رسایل در آنست و به نحوی که در ترجمه خواجه حافظ مرحوم بیان کرده شد، در این ولا در شهر کلکته به دستور کتب فرنگ بخط نستعلیق چهپایه (=چاپ) شده، متجاوز از بیست هزار بیت کرده اند...» (برگ ۱۰۴ ر)



- تفضیح الغافلین: در بردارنده وقایع و حوادث روزگار آصف الدوله محمدعلیخان که در سال ۱۲۱۱ ق به سفارش سرگرد ریچارد سن انگلیسی نوشته شده است، این اثر به انگلیسی با عنوان تاریخ آصف الدوله ترجمه شده و متن فارسی آن به تصحیح عابدرضا بیدار در ۱۳۴۳ ش در دهلی چاپ شده است.

- دیوان فارسی: شامل قصاید و غزلیات و رباعیات اوست و نسخه ای از آن در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است. مجموعه سروده هایی از او در سال ۱۸۰۷ م در لندن به چاپ رسیده است.

- مثنوی سرور فزا در وصف لندن؛

- معراج التوحید: رساله ای منظوم در علم نجوم، با مقدمه ای به نثر که میرزا ابوطالب در ۱۲۱۹ ق سروده و به ابوالفتح سلطان محمد صفوی تقدیم کرده است.

- خلاصه الافکار: این تذکره در بردارنده شرح حال و نمونه آثار شاعران فارسی زبان، از روزگاران قدیم تا سال تاریخ تحریر این اثر است، آن گونه که خود در مقدمه کتاب آورده

از سال ۱۲۰۶ ق (چهل سالگی) در شهر کلکته آغازیده و در ۱۲۰۷ به پایان رسانده است. تالیف این اثر به ظاهر یک سال و در حقیقت فراهم آوری مطالب و اشعار بیش از بیست و پنج سال به طول انجامیده است. وی این اثر را به آصف الدوله تقدیم کرده است.

روند تالیف این گونه است: میرزا ابوطالب تذکره خلاصه الاشعار علیقلی خان واله داغستانی (درگذشته ۱۱۷۰ق) را به انتخاب خود خلاصه کرده و اشعار سست آن را حذف نموده و دیباچه ای در آغاز و فصلی در پایان، شامل شرح حال و آثار شاعران معاصر بر آن افزوده است. سرانجام از این اثر ترکیبی خرسند نشده و خود دست به تالیف اثری مستقل زده است. خلاصه الافکار همانند خلاصه الاشعار که دارای یک مقدمه و بیست و هشت روضه و یک خاتمه است، از یک مقدمه و بیست و هشت حدیقه و یک ذیل و یک خاتمه تشکیل شده است. مقدمه خود اثری است مستقل، درباره شعر فارسی و قواعدی که باید در تذکره نویسی رعایت کرد.

در حدیقه های ۲۸ گانه کتاب شرح حال ۳۱۰ شاعر آمده است. بخش «ذیل» مشتمل بر شرح حال ۱۵۹ شاعر دیگر است. در بخش «خاتمه»، ابوطالب شرح زندگی خود و ۲۳ شاعر از شاعران هم روزگار خود را ثبت کرده است. در مجموع این تذکره در بردارنده زندگی نامه و نمونه شعر و نثر ۴۹۳ نفر است.

میرزا ابوطالب جز ریاض الشعرا از منابع خود نامی به میان نیاورده است و با اندک بررسی میتوان پی برد، وی از تذکره های مشهوری چون سرو آزاد و مآثر الکرام و ... بهره برده است. وی در این تذکره، انواع قالب های شعر و نثر شاعران را برای نمونه آورده است، هر چند نوع قالب شعر و گاه برای برخی از شاعران تا هفتصد بیت نمونه آورده است. در مقدمه، فهرستی الفبایی از نام شاعران و تعداد ابیات و اقسام شعر را ثبت کرده که بر پایه آن شمار ابیات مندرج در این تذکره بیش از بیست و پنج هزار بیت است.

از این تذکره چهار نسخه به شرح ذیل موجود است: کتابخانه آیت الله مرعشی، مجموعه رسائل میرزا ابوطالب به شماره ۸۹۳۷^۱ و مجلس سنا به شماره ۱۳۰۶^۲ و مرکز احیاء میراث

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۳، ص ۱۰۹-۱۱۱.

۲ فهرست نسخه های خطی مجلس سنا، ج ۲، ص ۲۱۸.

اسلامی به شماره ۸۴۶^۱ و کتابخانه ملک به شماره ۴۳۰۳^۲ موجود است. یاد آور می شود در تصحیح این زندگینامه خودنوشت، به نسخه های کتابخانه مجلس و مرعشی و مرکز احیاء مراجعه شده است.

این تذکره تا کنون به چاپ نرسیده و تصحیحی از آن به همت جناب آقای علی نقی جهانی به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی به سال ۱۳۹۰ پذیرفته شده است.

[متن زندگی نامه خودنوشت میرزا ابوطالب خان تبریزی]

راقم این کلمات، پریشان ابوطالب عفی الله عنه به خوشه چینی خرمن بزرگان علم مباهات می افزاید و چون خریدار یوسف با وجود عدم سرمایه، خود را در سلک مشتریان متاع سراسر انتفاع سخن میگنجانند:

اسم والد این حقیر «حاجی محمد بیک خان» و اصل آن مرحوم از ترکان آذربایجان و مولدش عباس آباد اصفهان است، در عهد جوانی وارد هندوستان گشته، ملازم وزیر جنت مکان ابوالمنصورخان رفیق و به ریاست جمعی از فرقه سپاه نامزد گردید، و بعد تقرر نیابت صوبه «اوده» به اعانت و رفاقت محمدقلیخان مرحوم مامور شده، شرایط آن کار کما ینبغی به تقدیم رسانید. از آثار آن بزرگ در صوبه الله آباد معموره ای است مشهور به حاجی گنج، که مسافران و سکنه اطراف را از وضع آن آرام کلی است، بعد شهادت محمدقلیخان از نهایت دلتنگی، تمامی جهات و عیال در معسکر جنت آرامگاه نواب شجاع الدوله و شهر لکنهوبرجا گذاشته، با چند غلام راه بنگاله در پیش گرفت و مدتی در آن سمت ها به اعتبار گذرانید، در سن قرب شصت در شهر مرشد آباد به رحمت حق پیوست.

تاریخ وفاتش از این قطعه به وضوح می پیوندد:

محمد بن شفیع آن خجسته والد من که بود ذی شرف از فضل و حج و عقل و ادب شتافت چون به بهشت برین از این عالم زتاب فرقتش افتاد جان ما در تب چو داشت با همه کس روی رأی انور او بدون مهر رخس روز عالمی شده شب

۱ فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۳، ص ۵۸.

۲ فهرست نسخه های خطی ملک تهران، ج ۲، ص ۲۲۷.



در ملک شیران منع سرسراستغافحی نمیکند نام و الدین حیدر حاجی محمد کتک خان و مهمل انور خان از ترکان از باکیان و مولدش عباس آباد انصاریت
 در عهد جوانی وارد هندستان گشته ملازم و در جنت مکان ابوالمصروفان در ریاست جمعی از فرقه سپاه نامزد گردید و بعد ترنایست صوبه اوده به تعلق
 در خافت حضرت علی خان مرحوم با مورشد و شرایط الحاکم که فیجی بقدر رسانند و بعد شهادت محمد قلینجان از نمایندگی و لشکر تمامی جهات و عمال از کربک
 جنت آرامگاه نواب شجاع الدوله و شهر گدگنور جا که گشته با جناب علام را به جنگ لاکر شمس گفت و در آن به تنهایی با کتک را بنده در سن هجرت
 در شهر مرشد آباد در جنت حق پیوست تا پنج و فاشش ازین قطعه بوضوح می خواند طلب آن را در قطعه

محمد ابن یوسف ابن حجت والدین	که بود شرف انفضال و حج و عقیق و آب	شادخت چون شربت برین از این عالم	ز نائب فرقیس اتفاقان مادر است
چو داشت به کس روی ایامی نورلو	بدون مهر خورشید و ز عالی شاد شیب	وقوع این عظم غلظی با و لشکر آن	چو بود از سنه هجرت نواب است
بلربا صند و پشما و دو و سه یوم از پنج	همان فرشت با تمام سال پنج و شیب	نموده طرف شربت برین دوم تاریخ	ز روی مجرم و یقین آنرا از نظم بوی لب

و چو بروا در این کلم نام بود کس یک پشته نام داشته و آن مخفوف نیز در صفا ان نصف جهان تولد یافته بود و در صفت لغوی و دیناری در وقت طاعت
 و در آن ظاهر نبوی فی نظیر شش می نمود و در خدمت برهان الملک مرحوم خصوصیت و قد است افاض ثابت میکرد و هم درین جهت بعد حلت آنجا بودی
 تو چه با مریه و در دو و لادت این بی سعادت در سنه کبیرا و یکصد و شصت و شش در شهر گدگنور اتفاق افتاده بعد قضیه مذکور نواب شجاع الدوله
 مرحوم بقضای اتحاد اعلی در خدمت برانده بخت این کمترین بدو در پنج کتب و موقوفین نمود و هر کجا بگفته بشود شرف می آورده و سبب تقیض حال و نقد آنجا
 این شکت بلال مخفوف پس از انقضای چهار سال حسب الطلب و الدوا اجازت آنجا داشت و در مرشد آباد گشته بعد یکسال و کمری که نوزین سال از مر حله
 چهارده سال گذرد بود بافت بی پردی و کفیل خدمات کتک و پرداخت بود غایبی هتبار کردید شش سال دیگر بنا بر کمال عاطفت نواب جنت شیران
 منظره کتک با در خفا سخنان در کتک بنگال تو حق دست داده و از او خبر نگینار در مرشد آباد که اوایل شگفتی کلما می اقبال و ابتدا بهیوس نواب صاحب
 الدوله مبار در دام اجمال بر سنه وزارت و اجمال بود و دیگر باره به اجازت صاحب خویش رسیده و چون برخیزا را الدوله و در حرم که از قدیم فیما بین روط
 و داد و استحقاق داشت بعضی محاللات میان دو اب و در سال بیخبر شکر است سید زین العابدین خان مرحوم که با عاق و ارضه و شده بود و بعد بعد
 این کتک نیز به کتک و پیوستی که ذکر کرده آمد چون آن مرحوم سلامی عذر و خلاف نمائی حیدر بیکت خان با علی جنتا که در این حیدر آخرا کتک شریک حال
 کثیر الاختلافش را در این معنی و دیگر توهمات بی عمل با عیشت تغییر مزاج ایدر مذکور گشته اند اجداد است سید مرحوم بقصد براندر شریک متقیان صاحب اولاد
 که کلما می که از سرکار روزی با بنظام محاللات سرکار که کو که بر قیام در میان مردم سببیت اشها تمام داشت خواه ناخواه عین ساخت و بحسب اتفاق
 میان این حیدر و صاحب معزی ایحیبت اتفاق افتاد و سه سال تمام با عیضا رواقه از انقضای بافت چون سبب که کتک خندان و خاسیان انظر ف که
 بقصد قضای سبب بی مایر شرا را از عهد بود و در انفرمان کربنل از دست خود بعمل آمده بود خاطر عدالت نظیرش از ان تمام با قیام بیکتک جنت از سرکار
 پشما و خود نمود صاحب عالی منزلت متر جانس مبار که از سرکار کتک بی حالیشان انکرتز با عیانت و پرداخت امور سرکار و وزیر ما مور بود و از خارج
 بر این باجرا الکلی با قیام فی حقیقت و رحمت است و تقویت است این حیدر فرمود چون در این زمان طلب بود صاحب محظوم الیکار را می خطی از دست است از حیدر
 سر انجام یافته دست شگفتی از این باجاست کونا گشته بود و در دست خویش بر سید را از در شری و صلح در اورد است بعد و بدین با بجهت و کلام کتک

<p>و غیر از آنکه ساخته در یکس درستی شروع جادیه جلی جوشش کرده و حقیقت از حرکات و سکناتش آثار خود را قهرس کرده و خوشتر از اری نمودم و از طبع و حجب جاده کشش آفاقت پیکبار کی برخواستند بفضیل برود کار از آنف مکرر حیل و صیون مانند چون سالها بدین نظر هم رسیده اند و در صورت مراد در سینه بخالی روی نمودن بفرمان طبع لبسم در ایصال قلب داخل که از سر کار رو بر زمین و حال چکاری بود مضامین که در وقت و حقیقت زیاد بر این استقامت در آن جهت منافی خرم و عاقبت دانسته بنا بر روابط مذکوره در واسطه سینه کنیز او دو صد و دوی هجری هانم شهر گلگت و بعد وصول بر خلاف بر عای و بی از کار بر آنجا تعظیم یافته بود که در واسطه سینه که در ولایت سحر تری که مدت چهار سال گذشت که بعضی مواضع و مصالح ملکی ایقانی در عقده تعویق مانده چشمه نوزان امر موقوف زبیده بود که زمان حیات اشج مشعلی بر رسیدگی از نوزادان چشمه تاریخ و فاشش را در این بابی که در ممالکشان داده بی تعییرت نظم کرده اند</p>		
<p>خزان و کون محل بین بود</p>	<p>تاریخ وفات هم جزو این بخش است</p>	<p>خلاصه سبب هر چه بود که از آغاز زبیده و شور و شایع حال این چشمه است</p>
<p>فرصت تحصیل و اکتساب فضایل دست نداد و با مقتضای شوق فطری در اوراک فیض صحبت افاضل و مطالعه کتب و تبحر زبان از نوزادان خود امعاف و کمال نداشتند لاجرم انفس تنه که بزکان کار خود کرده بود سیله را با بی خیال طبع این بچگان فی الحال کویا کشت لیکن چون ضبط این بهولت طاعتی بچه و نظر خاطر انفعال نسبت درین مقام بحیثیت وجود امر بر این چند زباید اکتفا رفت آنچه رساله اثر در نظر خود و اخلاق و طوب و غیره که درین مدت از نوزادان کلمات این بچه تألیف یافته که هر یک موهب و معینه و مطلوب کثیری بنمود بچگان فایده این مقام درج کرده چون بچرخش خودی در مظهری نیت دعای هر با از نظر لکن نگان این کتاب مامل و امیر و ارادت از اینجاست ای که در دست نیت سنده و جاه</p>		
<p>در ذات تو حال غلبه مقرون بظن</p>		
<p>تا یافتن فراز جلوس تو سخت روان</p>		
<p>ماهی زمراتت سر اخراخت بمان</p>		
<p>در آیه بی و در است و حجت روان مظهر حجاب هر چه در این بکت گویاید در مرثیه ان معفو است</p>		
<p>در تمام این صحن ملک دل و دنیا</p>	<p>خاک تریوک و غم بر حجت زینا</p>	<p>زرد بسکه طبا بچشمه رخ چون سیاه</p>
<p>امسال وجود و انرا زلف آب</p>	<p>در صفت سال غنچه</p>	<p>چون جنس و فاد بر کشته تا یاب</p>
<p>چند که بکرت دوست همداشته است</p>	<p>مشهد و بخشود و بچشمه احباب</p>	<p>در سبب کلی امور سینه نشوی</p>
<p>چون دست بنای کار سازد از نوزاد</p>	<p>از هر چه که رود بنگسته نشوی</p>	<p>این چند رباعی در مرثیه فرزند خود رساله آثار و اخلاق از حرکات</p>
<p>و سکناتش لایح بود و وفات یافت کوشده مرثیه در آنش فوق تو ای بخت تو او شد خاک وجودم از آت آب بباد بی پوسته که بلام چه شرف تمام شد</p>		
<p>هسوار بنامه ام چه بکت از نوزاد</p>	<p>ز با کلام تو من بخت میداستم</p>	<p>چیت بعد دست میداستم</p>
<p>ای پاره دل در دست میداستم</p>	<p>تا از نظر من آن در شهوار بر رفت</p>	<p>هر کخط بی چشمه جو بنا بر رفت</p>
<p>کو تیر شیبی بچرخ زانده تا بر رفت</p>	<p>چشمه که لب ان بر زمینان کزید</p>	<p>شهادت بران تو گل خندان کزید</p>
<p>بر حال بچرخش و چشمه ان کزید</p>		

میرزا شهاب

سنجده کتاب (۷)





وقوع این غم عظمی به ما دلفکاران چه بود از سنه هجرت رسول عرب هزار با صد و هشتاد و دو، سه یوم از حج همان نوشت به الهام سال رنج و تعب نموده طوف بهشت برین دوم تاریخ ز روی جزم و یقین آمد از دلم سوی لب و پدر مادر این کم نام، ابوالحسن بیگ نام داشت و آن مغفور نیز در اصفهان نصف جهان تولد یافته بود و در صفت تقوی و دینداری و رقت قلب و محبت دودمان طاهره نبوی بی نظیر مستثنی مینمود و در خدمت برهان الملک مرحوم، خصوصیت و قدامت اخلاص ثابت می کرد و هم بدین جهت بعد رحلت آن جناب، روی توجه به امر سپاه گری نیاورد و ولادت این بی سعادت در سنه یکهزار و یکصد و شصت و شش در شهر لکنهو اتفاق افتاده، بعد قضیه مذکوره نواب شجاع الدوله بهادر مرحوم، به مقتضای اتحاد ایلی در صدد تربیت برآمده، به جهت این کمترین مدد خرج مکتب و معلّم تعیین نمود، و هرگاه به لکنهو تشریف می آورده البته تفتیش حال و تفقّد بر احوال این شکسته بال میفرمود، پس از اقتضای چهار سال، حسب الطلب والد و اجازت آن جناب وارد مرشد آباد گشته، بعد یک سال و کسری که هنوز سنین عمر از مرحله چهارده تجاوز نکرده بود، به آفت بی پدری و تکفّل خدمات ملک و پرداخت امور خانگی مبتلا گردید و شش سال دیگر بنا بر کمال عاطفت نواب جنت آشیان مظفر جنگ بهادرخان خانان در ملک بنگاله، توقّف دست داده، در اواخر سنه یک هزار و صد و هشتاد و نه که اوایل شکفتن گل‌های اقبال و ابتدای جلوس نواب آصف الدوله بهادر دام إجلاله بر مسند وزارت و اجلال بود، دیگر باره به ملازمت صاحب خویش رسید و به تجویز مختار الدوله مرحوم که از قدیم فی مابین روابط و داد استحکام داشت، بعضی محالات میان دو آب و رساله فوج به شراکت سید زین العابدین خان مرحوم، که به اتفاق وارد صوبه شده بودیم به عهده این کمترین مقرر گشت و به نحوی که ذکر کرده آمد، چون آن مرحوم به بلای عذر و خلاف نمایی حیدر بیگ خان کابلی مبتلا گردید، این حقیر تا آخر کار شریک حال کثیر الاختلاس ماند، این معنی و دیگر توهمات بی اصل، باعث تغییر مزاج امیر مذکور گشت لهذا بعد فوت سید مرحوم، به قصد بداندیشی شامل متعیّنان صاحب والا قدر کرنیل هانی که از سرکار وزیر به انتظام محالات سرکار کورکپور قیام و در میان مردم به سببیت اشتها

تمام داشت، خواه ناخواه معین ساخت و به حسب اتفاق میان این حقیر و صاحب معزی الیه صحبت اتفاق افتاده، سه سال به اختیار و اقتدار انقضاء یافت، چون تنبیه اکثر مفسدان و خائنان آن طرف به مقتضای هم پیشگی با امیر مشار الیه متحد بودند، به فرمان کرنیل از دست خود به عمل آمده بود، خاطر عداوت مظهرش آزار تمام یافته، به مکین همت آزار احقر را پیشنهاد خود نمود، صاحب عالی منزلت مستر جانس [نسخه مرکز احیاء جانسن] بهادر که از سرکار کینینی عالیشان انگریز به اعانت و پرداخت امور سرکار وزیر مامور بود، از خارج بر این ماجرا آگاهی یافته، به محض حمیت و رحم، حمایت و تقویت این حقیر فرمود و چون در آن سنوات به توجه صاحب معظم الیه، کارهای خطیر از دست این حقیر سرانجام یافته، دست تسلط وی از اینجانب کوتاه گشته بود و بر دولت خویش ترسیده، از در آشتی و صلح درآمد و مراتب عهد و یمین را به حضور کلام الله تحریرا و تقریرا موکد ساخته، در لباس دوستی شروع به عادت جبلی خویش کرد، و حقیر از حرکات و وسکناتش آثار عذر تفرس کرده، خویشتن داری نمودم و از طمع و حبّ جاه که منشا آفت است، به یکبارگی برخواسته به فضل پروردگار از آفت مکر و حيله مصون مانده ام، چون سالها بدین نمط هم بسر آمده، او را صورت مراد در آئینه بدخیالی روی ننمود، بفرمان طبع لئیم در ایصال قلیل مداخلی که از سرکار وزیر معهود حال بیکاری بود، مضایقه کردن گرفت و حقیر زیاده بر این استقامت در آن صحبت منافی خرم و عافیت دانسته، بنا بر روابط مذکوره در اواسط سنه یکهزار و دو صد و دوی هجری عازم شهر کلکته گشت، و بعد وصول بر خلاف مدعای وی از اکابر آنجا تعظیم یافته، به وعده امداد مستظهر گردید و لغایت تحریر که مدت چهار سال گذشته، که به سبب بعضی موانع و مصالح ملکی، ایقای آن در عقده تعویق مانده، هنوز آن امر به مقطع نرسیده بود که زمان حیات آن محسن خلائق بسر رسید، یکی از مؤذنان عصر تاریخ وفاتش را در این رباعی که مصرع ثالث آن ماده بی تعمیمه است، نظم کرده:

آن حق گو خلق از آن خدا می پنداشت از هیچ نیافت جمله و هیچ گذاشت
 خسران دو کون حاصل بدبین بود تاریخ وفات هم خرد این بنگاشت



خلاصه به سبب هرج و مرج، که از آغاز تمیز و شعور شامل حال این بی شعور است، فرصت تحصیل و اکتساب فضایل دست نداده، اما به مقتضای شوق فطری در ادراک فیض صحبت افاضل و مطالعه کتب و تتبع زبان مردم دانا، دل خود را معاف و کامل نداشته، لاجرم انفاس متبرکه بزرگان کار خود کرده، به وسیله مرایای خیال طوطی طبع این بی کمال فی الجمله گویا گشت، لیکن چون ضبط این هفوات طامات به هیچ منظور خلط انفعال نیست، در این مقام به جهت وجود امر بر این چند رباعی اکتفا رفت، اما چند رساله نثر در علم عروض و اخلاق و طب و غیره که در این مدّت از نوک کلک این حقیر تالیف یافته، که هر یک موجز و مفید و مطلوب اکثری مینمود، به گمان فایده در این مقام درج کردم و چون به جز خیریت و خوشنودی مردم منظوری نیست، دعای بی ریا از مطالعه کنندگان این کتاب مأمول دارم و امیدوار است إن شاء الله تعالی.

از رباعیات:

ای آن که زتوست زینت مسند و جاه از ذات تو حال خلق مقرون به رفاه
تا یافت فراز، جلوس تو تخت روان ماهی ز مراتب سر افراخت به ماه
در تهنیت ماهی (۴) و مراتب و تخت روان مظفر جنگ مرحوم و این یک که می آید در
مرثیه آن مغفور است:

در ماتم آن معین ملک دل و دین خاکستر سوگ و غم بسر ریخت زمین
زد بس که طپانچه شد رخ چرخ سیاه وز گریه سپید گشت چشم ماه و پروین
در صفت سال قحط:

امسال وجود دانه از قَلّت آب چون جنس وفا به دهر گشته نایاب
چندان که به مرگ دوست هم دانه اشک مشهود نمی شود به چشم احباب
وله:

ای دل ز جفای دهر خسته نشوی وز بستگی امور بسته نشوی
چون هست بنای کارت از دانش و درد از هر چه که رو دهد شکسته نشوی^۱
این چند رباعی در مرثیه فرزند خردسال، که آثار رشد و اخلاق از حرکات و سکناش
لایح بود و وفات یافت، گفته شده:

۱ این رباعی در نسخه مرکز احیاء نیست.

در آتش فرقت تو ای لخت فوآد
 پیوسته به گریه ام چه سقف حمام
 ز انجام تو من نخست میدانستم
 وین کوتاهی عمر تو و رشد رسات
 و له:

تا از نظرم آن در شهوار برفت
 صد روز دراز روشنش نتوان کرد
 هر لحظه یمی ز چشم خونبار برفت
 کوه شبی آن چه زانده تار برفت^۱
 و له:

چشمم که بسان ابر نیسان گردد
 بی منظر خوب آن انیس یکتا
 تنها نه بر آن نوگل خندان گرید
 بر حال بد خویش دو چندان گرید

منابع

- فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ج ۳۴.
- الذریعة إلى التصانیف الشیعة، شیخ آقا بزرگ الطهرانی، بیروت، دارالأضواء، طبعه الثالثة، ۱۴۰۳ هـ ۱۹۸۳، ج ۲۵.
- فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۹۰، ج ۸.
- شجره نامه خانواده های شهیدی - صالحی و علوی شهیدی، یحیی شهیدی، ناشر مؤلف، ۱۳۷۶، ج ۲.
- مستدرک الذریعة، سید عبدالعزیز طباطبائی، نسخه دستنویس مؤلف، موجود در کتابخانه محقق طباطبائی قم.
- مستدرک الذریعة إلى تصانیف الشیعة، السید احمد الحسینی، قم، مجمع الذخائر الاسلامیة، ۱۳۹۴ ش، ۱۴۳۶ هـ ج ۱ و ۲.

۱ این رباعی در نسخه مرکز احیاء نیست.



- فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی، قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۷۷ ش، ۱۴۱۹ هـ ج ۱.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه علامه رفیعی قزوینی، سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۷.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه امام صادق^x قزوین، قزوین، حوزه علمیه قزوین، ۱۳۹۰، ج ۲.
- الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، الشيخ آغا بزرگ الطهرانی، تحقیق علی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- اجازات الحدیث التي كتبها شيخ المحدثین و محیی معالم الدین المولی محمد باقر المجلسی الإصبهانی، السید احمد الحسینی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی، تصحیح سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ هـ ج ۱.
- میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۷ ش، ۱۰ ج.
- میراث حدیث شیعه، به کوشش علی صدرائی خوئی و مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملک، ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه، با همکاری سید محمد باقر حجتی و احمد منزوی، تهران، کتابخانه ملی ملک، ۱۳۵۴، ج ۲.
- فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، محمد تقی دانش پژوه و بهاء الدین علمی اتواری، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۹، ج ۲.
- تحفة العالم و ذیل التحفه، میرعبد اللطیف خان شوشتری، به اهتمام صمد مؤحد، تهران، طهوری، ۱۳۶۳.
- اعیان الشیعة، سید محسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۱ هـ ج ۱۱.
- موسوعة مؤلفی الامامیة، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۸۹، ۱۹ ج.
- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۸.